اخبار صحنه

غریب‌پور با قصه تلخ طلا

بهروز غریب‌پور نمایش «قصه تلخ طلا» را که از جمله نوشته‌های خودش است اجرا می‌کند. به گزارش خبرنگار هنری ایسنا، این نمایشنامه برگرفته از یکی از افسانه‌های ایرانی است و داستان آن درباره ماهیگیری است که ماهی طلا را می‌گیرد و آن ماهی می‌تواند آرزوهای او را برآورده کند. همسر مرد مدام طمع می‌کند تا در نهایت ماهی گیر و همسرش هر دو طعمه حرص و طمع زن می‌شوند. غریب‌پور پیش از این تصمیم داشت نمایش «خدا در آلتونا حرف می‌زند» را اجرا کند که به دلیل پاره‌ای از مشکلات، منصرف شد و نمایشنامه «قصه تلخ طلا» را جایگزین آن کرد. نمایش «قصه تلخ طلا» مهرماه امسال در تالار چهارسو روی صحنه خواهد رفت. این نمایش با موسیقی بندری که توسط ونداد مساح‌زاده ساخته خواهد شد، اجرا می‌شود. غریب‌پور همچنین ۲۴ تا ۳۱ اردیبهشت ماه همزمان با روز جهانی فردوسی، نمایش اپرای عروسکی رستم و سهراب را در تالار هاشمی‌نژاد مشهد اجرا خواهد کرد.

بودجه ۷/۵ میلیاردی تئاتر رسماً اعلام شد

بودجه حدوداً ۷/۵ میلیارد تومانی تئاتر کشور در سال ۸۵ که در مجلس شورای اسلامی تصویب شده بود، کتباً به اداره کل هنرهای نمایشی اعلام شد. بودجه تئاتر که به صورت کتبی از مجلس شورای اسلامی اعلام شده حدود ۷ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان است و در مقایسه با سال‌های گذشته حدود سه برابر افزایش پیدا کرده است. بودجه تئاتر در سال گذشته حدود ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان بود و هنرمندان تئاتر برای تولید اثر هنری همواره با مشکلات فراوان مالی مواجه بودند. پیگیری‌های مطبوعات، رسانه‌ها و خانه تئاتر در افزایش بودجه تئاتر سال جاری بسیار موثر بوده است.

خانه نمایش میزبان بزرگداشت ایبسن شد

خانه نمایش اداره تئاتر هفته آینده میزبان اجراهای ویژه هفته بزرگداشت هنریک ایبسن است. براساس برنامه هفته بزرگداشت ایبسن خانه نمایش از ۲۱ اردیبهشت ماه میزبان اجرای «وقتی ما مردگان برمی‌خیزیم» اثر هنریک ایبسن به کارگردانی مهیار رشیدیان است و این اجرا تا ۲۴ اردیبهشت نیز ادامه خواهد داشت.» برنامه دیگر این تالار در هفته بزرگداشت ایبسن «جان گابریل بورکمن» به کارگردانی برکه فروتن از ۲۵ تا ۲۷ اردیبهشت ماه است. ساعت اجرای این دو نمایش در خانه نمایش ۱۸ است و تالار قشقایی مجموعه تئاتر شهر و خانه هنرمندان ایران نیز از دیگر سالن‌های میزبان هفته بزرگداشت ایبسن هستند. نمایش «پدرم آدم مقصر نبود!» نیز اجرای آینده خانه نمایش اداره تئاتر پس از پایان بزرگداشت ایبسن است.

تئاترشناسی اوژن یونسکو در دانشگاه تهران

«تئاترشناسی اوژن یونسکو» بیست و ششم و بیست و هفتم اردیبهشت ماه با حضور هفت استاد تئاتری در تالار شهید آوینی پردیس هنرهای زیبا برگزار می‌شود. به گزارش خبرنگار هنری ایسنا، این سمینار دوروزه که به منظور شناخت همه جانبه آثار اوژن یونسکو است از طرف کانون نمایش اداره امور فرهنگی و فوق‌برنامه دانشگاه تهران و با همکاری گروه نمایش، دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی پردیس هنرهای زیبا در تالار شهید آوینی برگزار می‌شود. در این سمینار دکتر فرهاد ناظرزاده کرمانی زبان در آثار یونسکو را مورد بررسی قرار می‌دهد. پروفسور احمد کامیابی مسک نیز به نقد آثار اوژن یونسکو می‌پردازد. مهدی مقدسی دیگر سخنران این مراسم با نگاه به نمایشنامه «شاه می‌میرد» به روانشناسی آثار یونسکو می‌پردازد. همچنین دکتر قطب‌الدین صادقی و دکتر محمدرضا خاکی نیز در این سمینار به سخنرانی می‌پردازند. در سمینار تئاترشناسی اوژن یونسکو که ۲۶ و ۲۷ اردیبهشت از ۱۰ صبح تا هفت بعدازظهر برگزار می‌شود علاوه بر سخنرانی‌های گفته شده نمایش «دختر دم‌بخت» به کارگردانی پیمان ملکی مقدم توسط گروه هنری کیا اجرا می‌شود. همچنین نمایشنامه «بازی‌ها» با ترجمه دست‌نویسی دکتر ناظرزاده کرمانی توسط عباس خلقی و گروهش روخوانی می‌شود. در این برنامه فیلم - تئاتر و عکس‌های یونسکو که از آلبوم شخصی پروفسور کامیابی مسک است، پخش می‌شود.

سمینار بین‌المللی «نمایش و دین»

بخش پژوهش و انتشارات انجمن نمایش مرکز هنرهای نمایشی سمینار بین‌المللی «نمایش و دین» را ۱۶ و ۱۷ دی‌ماه سال‌جاری برگزار می‌کند. بخش پژوهش و انتشارات انجمن نمایش مرکز هنرهای نمایشی با همکاری گروه آموزش هنرهای نمایشی دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران با هدف تبیین علمی جایگاه دین در پیدایش و توسعه هنر نمایشی و بررسی تاثیر متقابل «دین» و «نمایش» در دوران مختلف تاریخ تئاتر جهان و همچنین بازشناخت موقعیت این نمایش در جهان معاصر، سمینار بین‌المللی «نمایش و دین» را برگزار می‌کند. بر این اساس، سمینار «نمایش و دین» به صورت بین‌المللی برگزار شده و برگزارکنندگان سمینار هشت محور را برای ارائه مقالات در نظر گرفته‌اند. «بررسی تحلیل نقش دین و اندیشه دین محور بشر در پیدایش نمایش»، «رابطه متقابل دین و نمایش در ادوار مختلف تاریخ تئاتر جهان»، «بررسی تطبیقی تاثیر دین در نمایش شرق و غرب»، «ویژگی‌ها و خصوصیات فلسفی و زیباشناختی نمایش دینی»، «جایگاه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نمایش دینی»، «نمایش دینی و تئاتر معاصر»، «معرفی اشکال ناشناخته نمایش دینی در فرهنگ‌های شرقی و غربی»، «کارویژه نمایش دینی در جهان معاصر» از محورهای سمینار هستند. پژوهشگران و علاقه‌مندان می‌توانند مقالات خود را سی‌ام مرداد به دبیرخانه سمینار ارسال نمایند. دبیر سمینار بر عهده مجید سرسنگی است. در این سمینار که به مدت دو روز ۱۶ و ۱۷ دی‌ماه برگزار می‌شود، مقالات ارسالی و منتخب ارائه شده و بعد از همایش این مقالات به صورت کتاب جامع چاپ می‌شود.

گفت‌وگو با محمد چرم‌شیر، درباره شیوه‌های آموزش نمایشنامه نویسی

به دانشجویانم کشف کردن را می‌آموزم

آزادی رضائیان‌مقدم

محمد چرم‌شیر در سال ۱۳۳۹ه. ش در تهران متولد شده و در سال ۱۳۶۶ در رشته ادبیات نمایشی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل می‌شود. از محمد چرم‌شیر تاکنون بیش از یکصد نمایشنامه به چاپ رسیده است که برخی از آنها عبارتند از: «می‌بوسمت و اشک»، ۱۳۸۳، «باد اسب است»، نشر صنوبر ۱۳۸۱، «مکبت»، نشر نمایش ۱۳۸۰، «قهوه قجری» نشر صنوبر ۱۳۷۹.

او در حال حاضر در موسسه غیرانتفاعی سوره تهران مبانی نمایشنامه‌نویسی تدریس می‌کند. وی که چندان اعتقادی به تدریس نمایشنامه‌نویسی از روی متد و تکنیک‌های موجود ندارد برای اداره کلاس‌های خود شیوه کارگاهی را برگزیده است. و این مصاحبه به منظور آشنایی با کارگاه نمایشنامه‌نویسی محمد چرم‌شیر تنظیم شده است.

■■■

■مهمترین ویژگی کلاس‌های نمایشنامه‌نویسی شما کارگاهی بودن آن‌هاست، دانشجویان در حین انجام تمرین نوشتن است که در جریان درس قرار می‌گیرند؛ ممکن است درباره علت گزینش این روش توضیح بدهید؟

راستش من اعتقاد چندانی به آموزش نمایشنامه‌نویسی به صورتی که هم‌اکنون در سطح دانشکده‌های نمایش صورت می‌گیرد، ندارم. در این نحو از آموزش، دانشجو با چگونگی ساختمان یک نمایشنامه آشنا می‌شود. در واقع این آشنایی، آشنایی نظری با نمایشنامه، طریقه نوشتن آن و به طور کلی، اجزا و ارکانش است؛ اما همان طور که می‌دانید میان این شناخت و توانایی نوشتن فاصله‌ای هست. من تلاش می‌کنم انگیزه‌های نوشتن را در دانشجویان تقویت کنم و از راه ایجاد آن انگیزه‌ها بتوانم تجربه‌های خودم را به آنها منتقل بکنم. به نظرم می‌آید در این روش خود دانشجوست که به امر نوشتن آگاه می‌شود، آن هم به روش خودش، نه این که ما چیزهایی را که روش‌های شخصی خودمان در نوشتن است به دانشجو منتقل بکنیم. من به این که هرکس به نوع خودش، به جنس خودش، به روش خودش به امر نوشتن برسد به شدت اعتقاد دارم و این در واقع عامل اصلی برگزاری این کلاس‌ها به صورت کارگاهی است.

■یعنی در کارگاه روش هر کس در نوشتن با توجه به توانایی‌هایی که دارد معلوم می‌شود؟

ماجرا این است که ما به دلیل غلط بودن سیستم آموزشی نمی‌توانیم قبل از ورود دانشجو به دانشگاه استعدادهای نوشتاری دانشجو را ارزیابی و کشف کنیم. پس مجبوریم در دانشگاه این طور عمل کنیم که اول آموخته‌ها را به دانشجو بیاموزیم و بعد از این که دانشجو این آموخته‌ها را پیدا کرد، بیاییم و به او بگوییم تو اصلاً استعداد این کار را داری یا نه. یعنی ما در واقع داریم راه را برعکس طی می‌کنیم. باید برای دانشجویی که قبل از ورود به دانشگاه هیچ کاری نکرده و نوشتن برایش در حد نوشتن‌های ساده انشاهای مدرسه یا نامه‌های احساساتی بوده، بگویید که به یک‌باره بیاید و مثلاً نوشتن نمایشنامه با این سیستم و این روش را آغاز کند. در واقع دانشجو همه اینها را ببرد به درون خودش، یعنی در یادگیری فقط از ذهن آگاه خودش استفاده نکند بلکه بتواند ذهن ناخودآگاه خودش را هم وارد این قضیه بکند؛ در واقع من به عنوان معلم باید دو روش را به همراه هم ادامه بدهم. یعنی ضمن این که مبانی را آموزش می‌دهم، این کمک را هم به او بکنم که به امر نوشتن خودش آگاه شود. این که مثلاً خودش چه جوری می‌نویسد؟ خودش چگونه می‌تواند به فرآیند نوشتن برسد؟ چون آموزش‌های آکادمیک می‌تواند سواد و دانش‌های علمی دانشجو را بالا ببرد ولی نمی‌تواند فرآیند نوشتاری را هم به وجود بیاورد، معلم مجبور است به سوی حرکت دادن این انگیزه‌ها برود. این انگیزه‌ها غیر از یک بده بستان ساده بین معلم و دانشجو اتفاق نمی‌افتد. برای من راحت است که الگوها را برای دانشجویانم تدریس کنم ولی نمی‌دانم این الگوها چقدر می‌توانند به فرآیند نوشتن دانشجو کمک کنند. دانشجو خودش باید به این برسد که چگونه بنویسد. من نمی‌دانم او چه چیزی را باید بنویسد، من فقط به او می‌گویم چگونه بنویسد.

■یعنی دانستن تکنیک‌های نوشتن به چگونه نوشتن دانشجوها کمکی نمی‌کند؟

تکنیک‌های نوشتن را دو جور می‌شود آموخت. می‌شود گفت این تکنیک‌ها وجود دارند و ما لیستی از آنها را به دانشجو ارایه بدهیم. یک روش دیگر این است که بگوییم کسانی از الگوهایی برای نوشتن استفاده کرده‌اند. شما هم نمونه‌هایی از این دست را پیدا کنید و همین کار را بکنید، به نظرم با این روش ما داریم دانشجو را به سمت یک نوع الگوبرداری هل می‌دهیم. یعنی به دانشجو می‌گوییم که شبیه آقای x یا خانم y بنویسد. دانشجو می‌تواند خیلی راحت کپی‌برداری کند. خیلی راحت الگوبرداری کند. ولی در آن چیزی که من به او می‌گویم فرآیند نوشتن در پشت این الگوبرداری حاکم است. همچنین الگوبرداری صرف نمی‌تواند فرآیند نوشتن را برای دانشجو ساده بکند. چون این فرآیند، فرآیند پیچیده‌ای است. یعنی ما یک مطلبی را می‌خوانیم، یک پدیده‌ای را در یک اجتماع می‌بینیم و این که چه مراحلی طی می‌شود، چه فرآیندهایی طی می‌شود، چه چیزهایی در مغز ما جابه‌جا می‌شود که ما آن حادثه یا پدیده را می‌توانیم تبدیل به امر نوشتن بکنیم، یعنی در موردش بنویسیم، خیلی امر پیچیده‌ای است و این امر پیچیده فقط با آن الگوبرداری‌ها اتفاق نمی‌افتد. ما مجبوریم که دائماً به دانشجو، روش‌های این فرآیند را یاد بدهیم. این‌ها شکل آکادمیک ندارد. باید یک کار مستمر، پیگیر و با ظرافت با دانشجو انجام شود. یعنی دانشجو را باید در معرض امر نوشتن قرار بدهیم تا از این دائم نوشتن خودش، تجربیات خودش را پیدا کند. و تو به عنوان معلم در واقع باید دائماً این تجربه را اصلاح بکنی. تجربه را سهل‌تر کنی. تجربه را، می‌توان در فعل و انفعال نوشتن خود دانشجو پیدا کرد و به صورت رفع خطاهای دانشجو مطرحش کرد.

■روی تخته کلاس نوشته‌اید «یک مرد، یک زن، یک بچه». دو ساعت وقت دارید که هر قصه‌ای که می‌خواهید برایشان بنویسید. اما اغلب دانشجوها نمی‌دانند که چه کار باید بکنند و از کجا شروع کنند. خیلی‌ها آخر کلاس به قصه‌های بی سر و ته خودشان می‌خندند. چقدر طول می‌کشد بچه‌ها این روش را بپذیرند و باور کنند که از این طریق به نتیجه می‌رسند؟

ایراد از بچه‌ها نیست. آنها فقط به یک روش یادگیری عادت کرده‌اند. روش این است که تو کل موضوع را به بچه‌ها می‌دهی. بعد آنها می‌روند و آن را مطالعه می‌کنند یا آموخته‌هایشان را از آن موضوع به تو پس می‌دهند یا یک مقدار به آن اضافه می‌کنند و اضافه شده همان موضوع را به تو پس می‌دهند. در واقع این جا دانشجو نقش واسطه بین معلم و موضوع را بازی می‌کند یعنی معلم موضوع را می‌دهد دانشجو رویش کار می‌کند و به معلم پس می‌دهد. این روشی است که در مدارس و بسیاری از دروس دانشگاهی هم اتفاق می‌افتد.

■یعنی دانشجو به طور ناخودآگاه باز هم می‌خواهد به شیوه همان انشاهای مدرسه‌ای بنویسد و به نتیجه برسد.

بله، و وقتی تو با روش دیگری عادت‌های ذهنی دانشجو را به هم می‌ریزی؛ قاعدتاً تا نظم دوباره پیدا بکند و این به شکل یک قاعده، در ذهنش دربیاید، زمان زیادی می‌برد و فراموش هم نکنیم که دانشجویان ما به آن سیستم عادت کرده‌اند که بلافاصله بعد آموختن می‌توانند از آموخته خود تصویری در ذهنشان داشته باشند. یعنی اگر تو مثلاً از تاریخ هنر با آنها صحبت می‌کنی، وقتی می‌روند در مورد تاریخ هنر تحقیق می‌کنند، می‌آموزند، کتاب می‌خوانند، بالاخره دو، سه تا آدم، چهار، پنج تا تاریخ در ذهنشان ثبت می‌شود ولی در این روش تا مدت‌های مدید به نظر می‌آید که هیچ چیزی یاد نگرفته‌اند. اما در واقع او دارد یاد می‌گیرد و این یاد گرفتن آن قدر شکل پیچیده‌ای دارد و آن قدر از عقب‌ترین نقاط ذهن او شروع می‌شود که او در جلسات اول به نظرش می‌آید هیچی یاد نگرفته است.

■به نظر می‌رسد در شروع این کلاس‌ها دانشجو حسابی گیج می‌شود؛ از تمرین‌های کلاسی سر در نمی‌آورد در عین حال آن روش نوشتاری که در برخی کتاب‌های آموزشی وجود دارد و جسته و گریخته مطالعه کرده هم در نظرش بلا استفاده جلوه می‌کند.

این گیج شدن وجود دارد تا ذهن نظم جدید را پیدا بکند، قاعدتاً در این راه مشکلاتی هست که باید آنها را با کمی سعه صدر رفع کرد. باید به دانشجو اجازه بدهید که در کلاس پرخاش‌هایش را انجام بدهد ولی این پرخاش‌ها نباید به صورت ایجاد یک نوع سد برای دانشجو اتفاق بیفتد. یعنی نباید اجازه داد دانشجو خودش را از جریان نوشتن خارج بکند. باید همچنان در مدار نوشتن نگهش داشت تا زمانی که این نظم و هنجار جدید در ذهنش، شکل غایی پیدا کند.

بخش اول

■دانشجو چه کمکی می‌تواند به شما و خودش بکند تا این قاعده که از آن صحبت کردید در ذهنش شکل بگیرد. در واقع سهم دانشجو در ایجاد نظم ذهنی که گفتید، کدام است؟

کلاس‌های کارگاهی در واقع یک جور کلاس‌های مشارکت هستند یعنی همان قدر که معلم این کلاس، دانش و تجربه‌های خودش را می‌آورد، دانشجو هم باید تجربه‌های خودش را بیاورد. این تجربه‌ها می‌توانند تجربه‌های نوشتاری نباشند و دانشجو در واقع قبل از آمدن به این کلاس، چیزی را ننوشته باشد یا چیزهای ضعیفی و یا چیزهای نامربوطی را نوشته باشد. سهم دانشجو در واقع یک نوع آگاهی از اتفاق‌هایی است که در بیرون واقع شده است. کلاس کارگاهی کلاسی نیست که دانشجو در آن غیرفعال برخورد کند، در کلاس‌های دیگر معلم، دانش‌های خود را به بچه‌ها منتقل می‌کند، بچه‌ها این دانش‌ها را در طول زمان کلاس یادداشت می‌کنند، در ذهنشان ثبت می‌کنند، بعداً تاکید می‌کنند و یاد می‌گیرند. این جا معلم گوینده است و دانشجو فقط شنونده و ثبت‌کننده است. در شکل کارگاهی یک جزء از کلاس، خود دانشجو است. در این کلاس ما فقط به آموخته‌های معلم اکتفا نمی‌کنیم. دانشجو باید درباره همه آنچه می‌داند، فکر می‌کند و باور دارد، بنویسد و از این راه طریقه درست بیان آنچه در ذهن دارد را یاد بگیرد. من اعتقادم بر این است که دانشجوی هر رشته‌ای، دانشجوی آماده آن رشته است و باید آماده باشد. مثلاً در کلاس‌های پزشکی نمی‌شود گفت من فردا دو مرتبه می‌روم ببینم چه یاد می‌گیرم! دانشجو وقتی امروز از کلاسی در رشته پزشکی بیرون می‌آید، از آن لحظه به بعد با آن دانشی که در آن لحظه آموخته جور دیگری جهان اطرافش را نگاه می‌کند. ولی دانشجوی ما متاسفانه این کار را نمی‌کند یعنی در نگاهش انقطاع دارد. استمرار در او وجود ندارد. از امروز تا فردا انگار هیچ کار دیگری نمی‌کند. انگار هیچ نوع دیگری نگاه نمی‌کند. هیچ نوع دیگری نمی‌شنود. اگر در این مشارکت دانشجو سهم خودش را نیاورد هیچ کمکی به کلاس کارگاهی نمی‌کند. برای همین است که ما این جا دائماً تاکید می‌کنیم که خواندن، خواندن، خواندن. مهم نیست چه می‌خوانی، اصلاً مهم نیست در چه سطحی می‌خوانی ولی برای مشارکت سهمی قائلیم که آن سهم عبارت است از همان چیزهایی که ما می‌خوانیم، همان چیزهایی که به آنها فکر می‌کنیم. همان شکلی که به همه چیز می‌نگریم.

خلاصه گفت‌وگو

کلاس‌های کارگاهی در واقع یک جور کلاس‌های مشارکت هستند یعنی همان قدر که معلم این کلاس، دانش و تجربه‌های خودش را می‌آورد، دانشجو هم باید تجربه‌های خودش را بیاورد. این تجربه‌ها می‌توانند تجربه‌های نوشتاری نباشند و دانشجو در واقع قبل از آمدن به این کلاس، چیزی را ننوشته باشد یا چیزهای ضعیفی و یا چیزهای نامربوطی را نوشته باشد.

■در برخی تمرین‌های کلاسی، دانشجو به هیچ نتیجه‌ای نمی‌رسد و به نظرش می‌رسد که در تمام مدت کلاس بیهوده کاغذ سیاه می‌کرده. مثل آن تمرین‌های «ادامه دادن یک دیالوگ مشخص توسط دانشجو» که معلوم نیست این دیالوگ را کی گفته و در کجا گفته! دانشجو فقط باید آن را ادامه بدهد و بعضی وقت‌ها خودش هم تا آخر تمرین نمی‌داند کی دارد به دیالوگی که شما مشخص کرده‌اید پاسخ می‌دهد.

من هم همین را می‌خواهم بگویم. گاهی اوقات در این کلاس‌ها این اتفاق می‌افتد. دانشجو به نظرش می‌آید که هیچ اتفاقی در آن روز با آن تمرین‌هایی که ما داشته‌ایم برایش نیفتاده. ولی من در واقع از کجا شروع کردن و به کجا رسیدن را دنبال می‌کنم، کاملاً آگاه هستم که ما یک قدم به کجا حرکت کرده‌ایم، به عقب حرکت کرده‌ایم یا به جلو. این چیزها را من از کجا می‌فهمم؟ از این جا می‌فهمم که تو داری به آن اشاره می‌کنی و می‌فهمم آیا آن فرآیندی که من دارم از آن صحبت می‌کنم اتفاق افتاده یا نه؟ یعنی وقتی که تو داری خطا را انجام می‌دهی، در واقع داری تجربه کسب می‌کنی. یعنی مهم نیست که تو حتماً راه درست را انتخاب کرده باشی، همین قدر که در این کلاس‌ها بفهمی که چه چیزهایی را نباید انجام بدهی، یعنی به سمتی که باید، حرکت کرده‌ای. شاید بچه‌ها با نگاهی که به آن شکل آکادمیک یادگیری دارند، همیشه دنبال همین هستند که چه چیزی را باید یاد گرفت. در کلاس کارگاهی می‌تواند برهان خلف اتفاق بیفتد: چه چیزهایی را نباید یاد گرفت. این همان فرآیندی است که من از آن صحبت می‌کنم. فرآیندی که فقط دانشجو به آن می‌رسد. در همان کلاس ممکن است که این خطاها دانشجو را به جایی برساند که چه کاری را باید بکند و یک دانشجو را به این نقطه برساند که چه کارهایی را نباید بکند. از نظر من هر دوی این دانشجوها در کار کلاسی خودشان موفق بوده‌اند. یعنی آن چیزی که قرار بوده در کار کارگاهی اتفاق بیفتد، برای دانشجو اتفاق افتاده. در واقع می‌گویم ما یک قدم به جلو رفتیم، حتی من درجا زدن در این کلاس‌ها را یک قدم به جلو می‌بینم. یعنی دانشجو شروع می‌کند به چیزی که تا حالا فکر نکرده، فکر کردن. در کلاس‌های «اصول و مبانی نمایشنامه‌نویسی» همیشه کلاس را با تمرین «دیدن» شروع می‌کنیم. یعنی از بچه‌ها می‌خواهیم تمرین «دیدن» را بکنند. در بیشتر مواقع در این تمرین هیچ قدمی به جلو برداشته نمی‌شود. در واقع ما در جای خودمان درجا می‌زنیم اما به نظر من این هم باز اتفاق خوبی است از این بابت، که در تمامی این سال‌ها در همان جلسه اولی که تمرین‌ها شروع می‌شود، در چشم‌های دانشجویانم می‌بینم که دارند به چیزی فکر می‌کنند که تا آن لحظه به آن فکر نکرده‌اند. آنها هیچ چیز جدیدی را به وجود نمی‌آورند، نه می‌فهمند چه کاری باید بکنند، نه می‌فهمند چه کاری نباید بکنند، تنها شروع می‌کنند به فکر کردن به چیزی که تا آن ساعت به آن فکر نکرده بودند. مثلاً از آنها می‌خواهیم که پدرشان را توصیف کنند، بعد در روند کلاس متوجه می‌شوند این توصیفی که از پدرشان کرده‌اند؛ توصیفی است که همه آدم‌ها می‌توانند از پدر آنها داشته باشند. این خودش آنها را به فکر می‌اندازد که من چرا تا به حال پدرم را ندیده‌ام. و روش درست دیدن چیست؟ و همین قدر که به این فکر بکنند برای من به معنای یک قدم به جلوست. یعنی تمامی مبانی که تا امروز با آن با یقین برخورد کرده شروع می‌کند به شکستن. هنوز نمی‌داند چه کاری باید بکند و چه کاری نباید بکند. هنوز در جای خودش ایستاده ولی در این ایستادن شروع می‌کند مبانی قبلی خودش را شکستن و به دنبال مبانی جدید افتادن. این برای من حرکتی است رو به جلو.

■در برخی از تمرین‌های کلاس، دانشجو احساس می‌کند به چیزهایی که در آن جلسه از او می‌خواهید نمی‌رسد ولی یک سری از مثال‌ها و یا توضیحاتی که جلسات قبل حین تمرین‌ها داده‌اید؛ تازه دارد جا می‌افتد و در یک تمرین دیگر خودش را نشان می‌دهد.

درست است که در کلاس‌های کارگاهی ما در هر جلسه تمرینی را برجسته می‌کنیم ولی واقعاً داریم به چندین موضوع حمله می‌بریم. وقتی که تو شروع می‌کنی به نوشتن، داری چند موضوع را با هم پیگیری می‌کنی و این پیگیری کردن، پیگیری بسیار سختی است. ممکن است من توی جلسات اول بگویم که یک موضوع دارد اتفاق می‌افتد ولی وقتی گره این موضوع باز می‌شود به یک‌باره چند گره کوچک‌تر از خودش را هم باز می‌کند. یعنی شما در این باز هم می‌گویم، آموختن فرآیند نوشتن، نه تنها به یک موضوع بلکه به چندین موضوع می‌رسید. گره چندین موضوع باز می‌شود. وقتی گره باز می‌شود، دانشجو می‌بیند که چند اتفاق، چند موضوع، چند تجربه از دل این چیزی که خودش کشفش کرده بیرون آمده است. ما کمک می‌کنیم که کشف کند ولی برایش چیزی را کشف نمی‌کنیم. وقتی ضمن کار کشف می‌کنی در واقع چند چیز را با هم پیدا کرده‌ای؛ تو داری می‌نویسی و این مهم‌ترین اتفاقی است که دارد می‌افتد.

ما هر چقدر که به سمت آموزش‌های آکادمیک حرکت می‌کنیم باید مراقب این ماجرا باشیم که دانشجو را از نوشتن دور نکنیم. یعنی فقط محفوظات دانشجو را تقویت نکنیم. در کنار این، امکان عمل نوشتن را هم برای دانشجو به وجود بیاوریم.

■یعنی فرصت تجربه کردن را ضمن انجام کارهای کلاسی به او بدهیم چون در این صورت فرصت هدایت تجربه‌ها در کلاس می‌تواند برای او موثر باشد.

برای همین است که هر دیالوگی که می‌نویسی، هر اتفاقی که در این کلاس‌های کارگاهی می‌افتد؛ تجربه کردن یک موضوع تنها نیست، تجربه کردن چندین موضوع است که به صورت زنجیری به هم اتصال پیدا کرده‌اند. انگار که تو چیزی را از روی میز برمی‌داری و با این تماس تو با آن چیزی که برداشته‌ای، تنها این چیزی که برداشته‌ای بلند نمی‌شود؛ یک رشته‌ای است که هر چقدر شما بکشیدش چیزهای زیادی را از روی این میز برخواهد داشت و به دنبال خود خواهد کشاند. در آغاز، کار به نظرت خیلی پراکنده می‌ماند اما فقط کافی است که این تماس یک بار با آن شیء روی میز ایجاد شود تا یک رشته از چیزهایی که روی میز هستند با تماس تو بلند شوند.

نمایش کیوترنی ناگهان نوشته محمد چرم‌شیر عکس: میلاد پیامی/ شرق

تماشا

توقف تاکسی سرویس پریان

مرضیه برومند از توقف ساخت سریال «تاکسی سرویس پریان» خبر داد. این نویسنده و کارگردان به خبرنگار سرویس تلویزیون ایسنا گفت: این برنامه در مرحله نگارش و تست متوقف شده است و برای ادامه کار به بودجه بیشتری نیاز داریم. «تاکسی سرویس پریان» کاری الف در شبکه اول سیما محسوب می‌شود که از تکنیک‌های جدید برنامه‌سازی کودک بهره می‌گیرد. این مجموعه در اوایل سال گذشته مرحله تحقیق و نگارش و طراحی ماکت را گذراند و بنا به اعلام سازندگان آن، این سریال از فضایی کاملاً فانتزی و تخیلی برخوردار است و مراحل گفته شده یک سال و نیم کار برده است. برومند ساخت و تهیه مجموعه تلویزیونی «تاکسی سرویس پریان» را نیز در گروه کودک و نوجوان شبکه اول عهده‌دار بوده است.

ضعیف‌ترین کار مهدی مظلومی

هادی معیری‌نژاد از منتقدان برنامه‌های تلویزیونی مجموعه تلویزیونی زندگی به شرط خنده را ضعیف‌ترین کار در کارنامه مهدی مظلومی کارگردان این کار خواند. وی درباره این مجموعه به ایسنا گفت: شخصیت‌پردازی در «زندگی به شرط خنده» قائم به این سریال نیست و تیپ‌ها وامدار مجموعه‌های قبلی هستند. مظلومی - کارگردان «زندگی به شرط خنده»- تیپ‌های ساخته شده را در این سریال کنار هم قرار داده است که از میان آنها به خشایار، جهان و حتی نوید (با بازی حمید لولایی، یوسف تیموری و علی صادقی) می‌توان اشاره کرد. این سریال از نظر کارگردانی ضعیف‌ترین کار مظلومی محسوب می‌شود، چرا که تیپ‌های مختلفی را کنار هم چیده ولی به درستی آنها را هدایت نکرده است.

تلویزیون جولانگاه ستارگان ارزان است

سیما تیرانداز معتقد است تلویزیون و سینمای ایران کمتر به کیفیت فکر می‌کند و تنها دنبال بازیگرانی است که هنر نداشته خود را به رایگان در برابر دوربین به نمایش می‌گذارند. تیرانداز در گفت‌وگو با خبرگزاری «مهر» در کرج افزود: «برخی فیلمسازان امروزی مادی شده‌اند و دیگر به کیفیت برنامه اهمیت نمی‌دهند و بیشتر دنبال استفاده از جوانانی هستند که هیچ هزینه‌ای برای آنها نداشته باشند. با حضور بازیگران ارزان در عرصه تلویزیون و سینما در حق بازیگران حرفه‌ای اجحاف و زحمات چندین ساله آنها نادیده گرفته می‌شود. بی‌تردید این ظلم شامل همان بازیگران ارزان هم خواهد شد. تیرانداز در ادامه اظهار داشت: «اگر کارگردانان ما با همین روند پیش بروند هر روز بیش از پیش شاهد کمرنگ شدن فیلم‌ها و پائین آمده کیفیت و محتوا در تلویزیون و سینما خواهیم بود. مسئولان باید فکری اساسی برای این امر بکنند، چرا که اگر در این رابطه قصور شود هویت تلویزیون و سینمای ایران زیر سئوال خواهد رفت.» سیما تیرانداز که هم‌اکنون در حال بازی در مجموعه «حلقه سبز» به کارگردانی ابراهیم حاتمی‌کیا است، برای اولین‌بار است که کار با این فیلمساز معتبر را تجربه می‌کند و خوشحال است که در پروژه وی تجربه‌های خوبی کسب می‌کند. سریال «حلقه سبز» با مضمونی اجتماعی امسال از یکی از شبکه‌های سراسری به نمایش درمی‌آید.

نیما یوشیج در شبکه دو

فیلم «نیما یوشیج» در مرحله مونتاژ است و به زودی از شبکه دو سیما پخش خواهد شد. فیلم سینمایی «نیما یوشیج» حدیث یک جست‌وجو است، جست‌وجوی طویل و رنج‌آلود نیما یوشیج برای یافتن افسانه، آن معشوق اثیری و معنوی که همواره در روان ناهوشیار شاعر حضوری حقیقی و فعال دارد و منشاء همه عشق‌ها و شورها و شعرها و حتی مبارزات اجتماعی اوست، در این فیلم ماجرای این جست‌وجو را در چند دوره از زندگی او نگاه می‌کنیم. تهیه‌کننده این فیلم علی مهام و نویسندگی و کارگردانی آن برعهده نادرکجوری است. بازیگران این فیلم اسماعیل محرابی: نیما/ محمد کاسبی: مفتش/ علی اوسیوند: ارژنگی/ فلور نظری: سیمین/ آزیتا رایجی: ناکتا/ محمد غم‌بین: مانلی/ پروین میکده: مادر عالیه/ فاطمه گودرزی: عالیه و افسانه/ آتش تقی‌پور: مدیر مدرسه/ حسین حسینی: جلال/ حامد کمیلی: علیقلی/ رضا مهران‌نژاد: مستشاری/ نسترن بشردوست: همسر مانلی/ خسرو جوادی: شاعر هستند.

شهر کتاب در شبکه جهانی

برنامه «شهر کتاب» در گروه ادب و هنر شبکه جهانی جام‌جم و مشارکت شهر کتاب ساخته می‌شود. حسین پورصلحی مدیر تولید و تصویربردار این برنامه در گفت‌وگو با خبرنگار سرویس تلویزیون «ایسنا» با اعلام این خبر اظهار کرد: تاکنون ۱۰ درصد از تولید «شهر کتاب» انجام شده است و این مرحله تا ۶ ماه دیگر ادامه می‌یابد. وی درباره بخش‌های این برنامه گفت: در «شهر کتاب» آثار نویسندگانی چون محمدعلی موحد و فتح‌الله مجتبایی معرفی و با آنها مصاحبه می‌شود. همچنین با استادانی چون حسین آهی و دکتر کریم مجتهدی مصاحبه می‌شود. وی درباره معرفی کتاب‌های ترجمه شده در «شهر کتاب» اظهار کرد: آثار نویسندگانی چون جبران خلیل جبران، کازوئو ایشی‌گورو، دوروتی برلین کاملز، لاریسا مک فارکر و ولادیمیر ناباکف معرفی می‌شود و با مترجمان این کتاب‌ها مصاحبه می‌شود که از میان آنها به حسن الفتی، مژده رفیعی و احمد کسایی‌پور می‌توان اشاره کرد. پورصلحی در پایان اظهار کرد: تازه‌های نشر شهر کتاب در حوزه‌های مختلف نیز در این برنامه معرفی می‌شود. گفتنی است که «شهر کتاب» در ۲۶ قسمت ساخته می‌شود و تهیه‌کنندگی آن را جعفر فریدزاده برعهده دارد.